

دو فصلنامه پژوهش در آموزش ابتدایی

سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱. صفحات: ۹۹-۱۱۲

بررسی تفاوت مهارت های نویسندگی دانشجو معلمان آموزش ابتدایی

حمید جعفریان یسار^۱

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران

Email: h.jafarian@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت: ۲۹ آذر ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱

واژگان کلیدی:

اصل کیفیت، اصل ارتباط،

اصل شیوه، مهارت

نویسندگی.

چکیده

هدف این مقاله، بررسی تفاوت مهارت های نویسندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان؛ بر اساس نظریه گرایس در مهارت های نویسندگی بود. این مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی و کیفی، با انتخاب هدف مند دو کلاس از دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۸، رشته آموزش ابتدایی، انجام شد. برای اندازه گیری مهارت های نویسندگی، از یک متن انشا با موضوعی مشخص و یکسان، بر اساس اصول چهارگانه گرایس، استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد مهارت نویسندگی دانشجویان بر اساس آموزش های ارائه شده در دانشگاه، در سال ۱۴۰۱؛ رشد قابل توجهی داشته است. مهارت نویسندگی دانشجویان در سال ۱۳۹۸، پایین تر از حد متوسط بوده، اما تا سال ۱۴۰۱؛ با ارائه آموزش های متناسب، مهارت های نویسندگی دانشجویان رشد مناسبی داشته است. بنابراین ارائه آموزش ها و مهارت های نویسندگی، باعث ارتقای کیفیت مهارت نویسندگی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، شده و برای ارتقای آن؛ دروس روایت پژوهی، اقدام پژوهی، درس پژوهی و کارورزی، پیشنهاد می شود.

Journal of Research in Elementary Education

Volume ۴, Issue ۸, Fall and Winter ۲۰۲۲, Pages: ۹۹-۱۱۲

Investigating the difference in writing skills of primary education student teachers

Hamid Jafarian Yasar

^۱. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: h. jafarian @cfu .ac.ir

ARTICLE INFORMATION

Received: ۲۰ December ۲۰۲۲

Accepted: ۲ March ۲۰۲۳

Keywords:

principle of quality,
principle of
communication,
principle of method,
writing skill.

ABSTRACT

The purpose of this article is to investigate the differences in the writing skills of student- teachers of Farhangian University based on Grice's theory of writing skills. This study was carried out using a descriptive-analytical and qualitative method, with the purposeful selection of two classes of students entering the year ۲۰۱۸, majoring in elementary education. To measure writing skills, an essay text with a specific and identical topic, based on Grice's four principles, was used. The obtained results showed that the students' writing skills were based on the training provided at the university in ۲۰۲۳, has grown significantly. The students' writing skills in ۲۰۱۸ were lower than average, but by ۲۰۱۱, providing appropriate training, students' writing skills have grown appropriately. Therefore, providing training and writing skills has improved the quality of writing skills of Farhangian University students. Narrative research, action research, lesson research and lesson study are suggested to improve the writing skills of students.

مقدمه

سخن گفتن، با دو مهارت «شنیدن» و «سخن گفتن»، آغاز می‌شود. هر چه میزان برخورد کودک با محیط و افراد بیشتر باشد، نیاز بیشتری برای استفاده از زبان را احساس خواهد کرد. بدین ترتیب تلاش خود را برای به کارگیری تجارب کلامی و زبانی، افزایش می‌دهد. با ورود به مدرسه دو مهارت «خواندن» و «نوشتن»، که به عنوان مهارت‌های مدرسه‌ای شناخته می‌شوند، کاربرد بیشتری نسبت به «شنیدن» و «سخن گفتن»، مورد توجه است. چنانچه فراگیری زبان گفتار، به عنوان رمزگشایی از صداها و آواهای تولیدی، تلقی شود، فرد با قرار گرفتن در محیط و یادگیری آن به صورت تقلیدی، آرام آرام موفق به درک پدیده‌ها شده و زبان به عنوان وسیله مهم برقراری ارتباط شناخته خواهد شد. دسترسی مناسب به دو مهارت «خواندن» و «نوشتن»، سازوکار «نظام نوشتاری» یا «نظام مکتوب» را ایجاد می‌نماید (Faramarzi, Karamalian, & Nasrallah, ۲۰۱۹). به طور کلی، مهارت «شنیدن» و «خواندن»، مهارت‌های اکتسابی و مهارت «سخن گفتن» و «نوشتن» را مهارت‌های تولیدی نام نهاده‌اند (Zandi, ۲۰۰۷). مهارت نوشتن جزو سه مهارت اصلی در سواد سنتی محسوب می‌شود. نوشتن به عنوان یک مهارت انتقادی و همچنین ابزاری بالقوه برای یادگیری است (Arnold, et al., ۲۰۱۷)، تقویت این مهارت قطعاً کار آسانی نیست (Galbraith, Bangert-Browns, Hurley & Wilkinson, ۲۰۱۸). نوشتن علاوه بر تشویق و ترویج استراتژی یادگیری شناختی (Graham, Kiuahara & MacKay, ۲۰۲۰)، فرآیندی است که استفاده از ساختارهای شناختی را تضمین نموده و می‌تواند یادگیری را به طور ضمنی یا صریح تسهیل کند (۲۰۰۴). از آنجایی که نوشتن یک فرآیند چرخه ای است که از برخی فرآیندهای فرعی مانند برنامه ریزی، ترسیم طرح و سازماندهی تشکیل شده است (Applebee, ۱۹۸۴)، در آن استفاده از روش‌های مختلف تفکر ضروری می‌باشد (Hohenshell & Hand, ۲۰۰۶). در این نوع نوشتن، فرد به تعمق در مورد یک موضوع می‌پردازد و پس از آن افکار مربوطه توسعه و سازماندهی می‌شوند تا دانش قبلی را با دانش به دست آمده ادغام نموده (Bozkurt, ۲۰۱۷)، و یک محصول مبتنی بر دانش جدید ایجاد شود (Lawwill, ۱۹۹۹). به عبارت دیگر، نوشتن فرآیند یادگیری است که در آن به آنچه می‌دانیم یا می‌آموزیم فکر می‌کنیم و تجربیات خود را مرور می‌کنیم (Graham, ۲۰۰۸). از این منظر، بسیاری از محققین (Bereiter & Scardamalia, ۱۹۸۷; Flower & Hayes, ۱۹۸۱; Haley-James, ۱۹۸۲) به توضیح این نکته پرداخته‌اند که چگونه فعالیت‌های نوشتاری بر یادگیری تأثیر می‌گذارد، یا چگونه یادگیری از طریق نوشتن به دست می‌آید. این محققین «نوشتن را به عنوان یک شیوه یادگیری» مطرح نموده و معتقدند که نوشتن را می‌توان علاوه بر یک شیوه ارتباطی، به عنوان یک مدل یادگیری مورد استفاده قرار داد.

اگرچه از نوشتن اغلب به عنوان ابزاری جهت یادگیری استفاده می‌شود (Arnold, et al., ۲۰۱۷)، تعریف مدل نوشتن برای یادگیری آسان نیست (Klein & Boscolo, ۲۰۱۶; Graham, Kiuahara & MacKay, ۲۰۲۰). نوشتن برای یادگیری به یادداشت برداری مرسوم، غیرفعال و ساده فراگیر برای اطلاعات خاصی که معلم تلاش می‌کند آن را منتقل کند یا در کتاب‌های درسی نوشته شده است (Yore, Bisanz & Hand, ۲۰۰۳) اشاره نمی‌کند، نوشتارهای سنتی و جایگزین (شعر، داستان، نامه و موارد مشابه) که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا مهارت‌های تفکر انتقادی را توسعه داده (Sinaga & Feranie, ۲۰۲۰; Kayaalp, Meral, Şimşek & Şahin, ۲۰۲۰) (۲۰۱۷) محتوای علمی را درک کنند، آنچه را که فهمیده‌اند بیان کنند نیست (Mason & Boscolo, ۲۰۰۰)، بلکه از نوشتن به عنوان وسیله ای برای یادگیری، به عنوان راهی جایگزین برای یادگیری و توسعه اطلاعات جاری در برنامه درسی مدارس استفاده می‌شود. (Bazerman, et al., ۲۰۰۵) به گونه ای که اطلاعات جدیدی را براساس اطلاعات قبلی ساخته (Putti, ۲۰۱۱)، و درک مفاهیمی را که درک آنها نسبتاً دشوار است را تسهیل می‌کند (Alharbi, ۲۰۱۵).؛ معلمانی که چنین استراتژی یادگیری را اجرا می‌کنند باید بتوانند فضای یادگیری کاملی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند و آنها را از طریق این فعالیت‌ها در حین انجام وظایف نوشتن برای یادگیری راهنمایی کنند (Kieft, Rijlaarsdam & Van den Bergh, ۲۰۰۶).

با توجه به آنچه گفته شد، لازم است که معلمان و مهم تر از آن دانشجو معلمان در مورد اینکه از نوشتن برای رسیدن به چه هدفی و چگونه باید استفاده کرد و اینکه چگونه دانش آموزان را وادار به نوشتن و طراحی درست فرآیند کنند، آگاه باشند. در فرآیند نوشتن، معلمان می توانند با سازماندهی مراحل نوشتن در ذهن خود به یادگیری فعال دست یافته و فرآیندهای شناختی مانند تعیین اهداف، تولید ایده های جدید، برنامه ریزی و مدیریت فرآیندهای اجتماعی مانند سازماندهی محیطی را مدیریت نموده و از طریق شیوه های تعاملی مناسب و موثر، انگیزه لازم را برای نوشتن در دانش آموزان خود ایجاد نمایند (Müldür, ۲۰۱۷).

بر این اساس حدود پنجاه سال پیش، هربرت پائول گرایس، فیلسوف و منطق دان انگلیسی، اصولی برای مکالمه تعریف کرد. این اصول مانع سوء استفاده افراد سفسطه گر از سفسطه شان شده و هم به افرادی که زندگی آنها با استدلال و صحبت کردن سپری می شود، کمک کرده تا، مکالمه اخلاق مندانه تری داشته باشند. در علوم اجتماعی به طور کلی و زبان شناسی به طور خاص، اصل همکاری^۱ نحوه تعامل افراد با یکدیگر را توصیف می کند. گرایس اصل همکاری را با چهار قاعده کلی آن، به عنوان رهنمود ارتباط ایده آل در معنی شناسی و ارتباط مطرح کرده است. اصول چهارگانه گرایس با عنوان «ماکسیم» شهرت یافت. نقض ماکسیم به معنی انهدام مکالمه تلقی می شود. اصول گرایس عبارتند از: «کمیت^۲ - کیفیت^۳ - ارتباط^۴ - منش^۵». راهبردهای چهارگانه گرایس، دارای اجزای بیشتری است که به شکل زیر قابل تبیین است.

راهبرد کمیت: الف) به اندازه نیاز اطلاعات دادن. ب) بیشتر و کمتر از حد نیاز اطلاعات ندادن.

راهبرد کیفیت: الف) مشارکت بر مبنای واقعیت و راستی (دروغ نگفتن). ب) نگفتن آنچه که معتقدید غلط و نادرست است. پ) عدم بیان آنچه که برای آن شواهد و مدارک کافی وجود ندارد (صحبت مستند).

راهبرد ربط یا ارتباط: صحبت مرتبط با موضوع (بی ربط سخن نگفتن).

راهبرد شیوه یا منش: الف) واضح و شفاف سخن گفتن. ب) ارایه سخنان قابل درک (گنگ و مبهم سخن نگفتن). پ) ارایه سخنان مختصر و موجز (پرهیز از درازگویی و درازنویسی). ت) وجود پیوستگی و نظم در عبارات (Ghasemi, Sediq, & Khairabadi, ۲۰۱۵). اصول مکالمه گرایس را در یک نمودار به شکل زیر طراحی شده که از نمودار قاسمی و همکاران (Ghasemi et al., ۲۰۱۳)، اقتباس شده است. این نمودار به دلیل انتشار در سال ۱۳۹۳ توسط قاسمی و همکاران، دارای اعتبار است. برای تأیید اعتبار مجدد، از نظر سه تن از اساتید رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه، اعتباریابی مجدد واقع گردیده و مورد تأیید قرار گرفت.

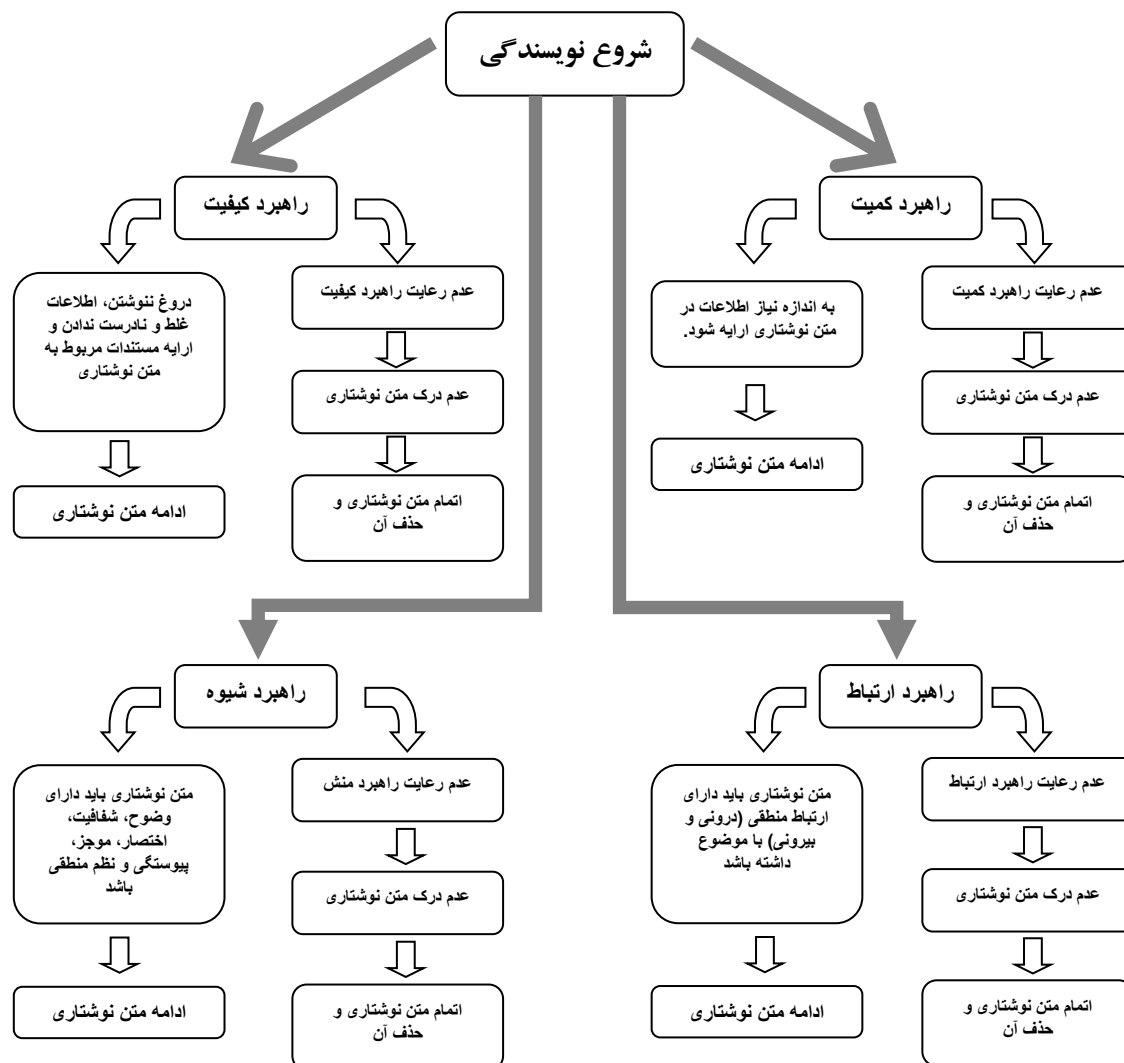
^۱-Principle of Cooperation

^۲-Maxim of Quantity

^۳-Maxim of Quality

^۴-Maxim of Relevance

^۵-Maxim of Manner



نمودار مکاتبه گرایس (اقتباس از قاسمی، صدیق ضیا بری و خیرآبادی، ص ۳۰۴)

اندیشمندان و زبان‌شناسان متعددی در خصوص نظریه گرایس، اظهار نظر کرده‌اند. ^۱ «یول» در کتاب بررسی زبان معتقد است؛ منظور از اصل همکاری گرایس یعنی اعمال سهم خود در مکالمه به نحوی که مورد نیاز است و به شکلی که مکالمه هدف مشخصی را دنبال کند. در بیانی دیگر، اصل همکاری این است که نویسنده می‌خواهد فهمیده شود و خواننده نیز بنا دارد که بفهمد (Yule, ۲۰۰۶) و (Nematzadeh, Mehdizadeh, & Asemi, ۲۰۱۵). به نظر لیندبلوم ^۲ گرایس اصل همکاری را «اصل برتر» یا «ابر اصل» دانسته که در چهار اصل «کمیت - کیفیت - ارتباط - حالت» گسترش یافته که در زبان فارسی از واژه «راهبرد» یا «راهکار» به جای واژه «اصل» استفاده می‌شود. به نظر لوینسون ^۳ اصول گرایس، در حقیقت قراردادهای وضعی نبوده، بلکه ابزارهای منطقی هستند که برای تعاملات زبانی به کار

^۱-G.Yule

^۲-Lindbloom

^۳-S.Levison

می‌روند (Pakrovan, ۲۰۰۷). کامرون^۱ و تانن^۲ معتقدند، اصل همکاری و راهکارهای گرایس تجویزی بوده و به نظر ویلسون و اشپیرر^۳، نظریه گرایس از جنبه توصیفی زبان، ناتوان است (Adamzadeh, ۲۰۰۲).

هالامان (Hallaman, ۲۰۱۰)، با مطالعه کیفی در بررسی اصول گرایس در ۷۰ داستان در حوزه ادبیات کودک، نتیجه گرفت که در برخی داستان‌ها (چه راوی و چه گفتگوهای شخصیت‌های داستان)، اصول چهارگانه گرایس نقض شده است. هدف نقش اصول، عمدتاً برای برانگیختن تخیل مخاطب، انتقال پیام، ایجاد موقعیت‌های ویژه، شخصیت‌پردازی و نقل قول غیرمستقیم از شخصیت‌های داستان صورت گرفته است. ژو (Zhou, ۲۰۰۹)، با بررسی اصول همکاری گرایس در آموزش شفاهی زبان انگلیسی به این نتیجه رسید که کاربرد اصول چهارگانه گرایس در آموزش شفاهی زبان انگلیسی می‌تواند تأثیر مثبتی در قابلیت‌های ارتباطی دانش‌آموزان که همان هدف اصلی آموزش است، به شمار می‌رود پراتیوی (Prativi, ۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای توصیفی - کیفی در بررسی میزان نقض اصول چهارگانه گرایس در گفتگوهای فیلم «پیش از غروب»، به این نتیجه رسید که تخطی از تمامی اصول چهارگانه گرایس در گفتگوهای شخصیت‌های این فیلم، با ایجاد معنای تلویحی، عمدتاً به دنبال پاسخ‌های غیرصادقانه بوده است. زور (Zor, ۲۰۰۶)، در بررسی کاربرد اصول همکاری گرایس در تحلیل مشکلات انسجام در متون ترکی و انگلیسی، نتیجه گرفت که اصل ارتباط مهم‌ترین اصلی است که روی قضاوت کارشناسان درباره میزان انسجام در هر دو متن انگلیسی و ترکی تأثیر داشته است. مقایسه تخطی از اصول گرایس نشان داد که تخطی از اصل ارتباط در مقالات انگلیسی با تخطی از اصل ارتباط، کیفیت و کمیت در مقالات ترکی همبستگی دارد. با مقایسه ارتباط بین مقالات ترکی و انگلیسی شاید بتوان گفت که نارسایی‌هایی در مهارت‌های نوشتاری دانشجویان در زبان ترکی می‌تواند به بروز ناکارآمدی در مهارت‌های نوشتاری آنها در زبان انگلیسی منجر شود. دیل و دیگران (Dale, Reed, and North, ۱۹۹۶)، با مطالعه در زمینه نقش اصول گرایس در تولید عبارات ارجاعی، نتیجه گرفتند که، اصول گرایس به این معنی است که عناصری که هیچ نقشی در عبارات ندارند، در گفتار به کار گرفته نشود. همچنین روند هدفمند تولید زبان، به هیچ عنوان نیازی به پیروی کردن از این دستورالعمل‌ها وجود ندارد.

مطالعه باقری (Bagheri, ۲۰۱۷)، با مطالعه ای در سال ۲۰۱۷ تحت عنوان «گفتمان طنز سیاسی - اجتماعی معاصر ایران از دیدگاه اصول گرایس»، نشان داد که اصول گرایس چارچوب بسیار مناسبی برای توجیه طنز فارسی تلقی می‌شود. مطالعه نعمت‌زاده و همکاران (Nematzadeh, Mehdizadeh, & Asemi, ۲۰۱۵)، با موضوع میزان به کارگیری اصول گرایس در انشای دانش‌آموزان پایه هشتم شهر تهران، نشان داد که؛ ۳۰ درصد اصل کمیت؛ ۱۸ درصد اصل کیفیت؛ ۸۳ درصد اصل ارتباط و ۱۸ درصد اصل حالت (شیوه)، در ۱۲۱ انشای دانش‌آموز رعایت شده است. با توجه به نتایج؛ رعایت اصل ارتباط در نوشتار دانش‌آموزان بیشترین بسامد و اصل کیفیت و حالت، کمترین بسامد را نشان می‌دهد خسروی‌زاده (Khosrovizadeh, ۲۰۱۰)، در بررسی فرایند تولید و درک حشوهای گفتمانی، به این نتیجه رسید که عدم رعایت یکی از اصول گرایس (شرط کمیت) باعث وقوع حشو زبانی شده است.

سیفی و محمودزاده (Seifi, and Mahmoudzadeh, ۲۰۱۰)، با بررسی نقش اصل همکاری گرایس در دستیابی به تعادل در ترجمه متن کتاب «پیامبر» اثر «جبران خلیل جبران»؛ نتیجه گرفتند که، آزمودنی‌ها (چهل نفر از دانش‌آموختگان رشته مطالعات) بیش از همه به نمونه‌های ترجمه‌ای ناقص شروط ارتباط و شیوه بیان حساسیت نشان داده و رعایت آنها را در انتقال پیام متن مبدا و ارایه ترجمه‌ای متعادل و مطلوب مؤثر دانسته و نقض شرط کمیت را مانعی جدی در انتقال پیام متن مبدا و ارایه ترجمه‌ای متعادل و مطلوب محسوب نمی‌کنند.

^۱-D.Kameron

^۲-D.Tannen

^۳-D.Wilson & D.Sperber

خداپرست (۲۰۰۹، Khodaparast)، در تجزیه و تحلیل کلامی چهار اصل پیشنهادی گفتگو در آثار نمایشنامه‌ای جدید نشان داد؛ اگر اصول گرایس به صورت قانون‌مند مشاهده شوند، می‌توان مکالمات نمایشنامه‌ای را به عنوان منابع غنی مکالمات روزمره در اختیار زبان‌آموزان قرار داد.

مطالعه علامی (۲۰۰۸، Allami)، با موضوع بررسی میزان درک و لذت زبان‌آموزان از طنز کلامی؛ نشان داد که، بسندگی زبان در نزد زبان‌آموزان چندان تأثیری در میزان لذت آنها از متون طنز ندارد. عناصر زبان‌شناختی - منظورشناختی به کار رفته در طنز متون انگلیسی با همان عناصر در متون فارسی ویژگی‌های متفاوتی ندارند. تحلیل متون بر حسب اصول گرایس، باعث ایجاد درجات مختلف طنز می‌شود. بین میزان لذت از متون طنز بر حسب جنسیت، تفاوتی وجود ندارد.

فولادی (۲۰۰۸، Fuladi)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود آگاهی‌های بازرگانی از دیدگاه اصول چهارگانه گرایس را بررسی کرده و به این نتیجه رسید که اصول همکاری گرایس در تبلیغات تجاری در اکثر موارد نقض شده است.

آقاگل‌زاده (۲۰۰۷، Aghagolzadeh)؛ رابطه اصول همکاری گرایس و فنون بلاغی غالب در گفتمان پروین اعتصامی را بررسی کرده است. به نظر او؛ هرچند در برخی موارد گوینده اول، یعنی شخصیت شروع‌کننده گفتگو، اصل صداقت گرایس را نقض کرده، ولی گفتگو به طور موفق پیش می‌رود. دلیل آن را باید در دو عامل جستجو کرد: الف) این گفتگوها از نوع گفتگوی رسمی بوده و بنابراین گفتگوی منطقی و استدلالی را ایجاد می‌نماید. ب) شنوندگان از فحوای کلام گوینده اول در هر گفتمان اینگونه استنباط می‌کنند که توهین یا انتصاب صفات ناپسند از ناآگاهی و عدم شناخت گوینده اول نسبت به حقایق جهان پیرامونش ناشی شده است. بنابراین مخاطبان هریک از گفتمان‌ها، سخنان گوینده را عامدانه و مغرضانه نمی‌انگارند، بلکه آن را ناشی از خطای سهوی و جهل گوینده تلقی کرده و تشخیص می‌دهند که به جای قطع ارتباط، باید آگاهی داده و روشنگری کنند.

مطالعه پاک‌روان (۲۰۰۷، Pak-Ravan)، نشان داد که گویش‌وران فارسی بیش از آن که اصول گرایس را نقض کرده باشند، در رعایت آن کوشیده‌اند. همچنین از میان اصول گرایس، اصل کمیت بیش از دیگر اصول نقض شده است. این نقض، نه در جهت کم‌گویی بلکه در جهت پرگویی بوده است. این بدان معنی است که زیاده‌گویی در گفتار، به ویژه در تعارفات، لازمه کنش‌های متقابل زبانی یادشده به طور اخص و جزء لاینکف کنش متقابل فارسی‌زبانان در سبک یادشده است. اصل روش نیز به لحاظ نقض در مرتبه دوم قرار دارد؛ یعنی اینکه در گفتگوهای یادشده، در حد امکان از صراحت کلام پرهیز شده است. علاوه بر آن، از میان اصول گرایس، بالاترین درصد رعایت مربوط به اصل کیفیت است. به اعتقاد وی، ضروری‌ترین اصل از اصول گرایس که گویش‌وران آن را کمتر نقض می‌کنند، اصل کیفیت است؛ زیرا این اصل به طور مستقیم، مربوط به میزان صدق گفتار می‌شود. طبیعی است که گویش‌ور تا جایی که بتواند منظور خود را منتقل کند، از نقض اصل کیفیت خودداری می‌کند.

در ایران، به نظر می‌رسد که به اندازه کافی در آموزش مهارت‌های نویسندگی اصول چهارگانه پیشنهادی گرایس مورد توجه قرار نگرفته است. لذا جهت روشن شدن اثربخشی توجه به این اصول محقق در این مقاله به بررسی تفاوت مهارت‌های نویسندگی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان با توجه به نظریه و اصول گرایس در کاربرد مهارت نویسندگی (۲۰۰۷، Aghagolzadeh)، در متن نوشتاری دانشجویان، (مطالعه موردی و طولی: دانشگاه فرهنگیان قم)، پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی و کیفی (۲۰۱۸، Khanifar, and Muslimi)، با هدف بررسی تفاوت مهارت‌های نویسندگی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان (مطالعه موردی و طولی: دانشگاه فرهنگیان قم)، با توجه به نظریه و اصول گرایس در کاربرد مهارت

نویسندگی (Aghagolzadeh, ۲۰۰۷)، در متن نوشتاری دانشجویان، انجام شده است. برای اجرای این مطالعه؛ در دو زمان مهرماه سال ۱۳۹۸ و مهرماه سال ۱۴۰۱، از دانشجویانی که ابتدای مطالعه و آخر مطالعه ثابت بودند، خواسته شد انشایی با موضوعی مشخص، متن نوشتاری خود را تهیه کنند (Fathi Vajargah, ۲۰۱۹).

جامعه آماری؛ دانشجویان ترم اول (ورودی سال ۱۳۹۸ از رشته آموزش ابتدایی)، بودند که هیچگونه آموزش رسمی در زمینه مهارت های نوشتن را دریافت نکرده اند. در واقع این مطالعه در پی آن است که میزان مهارت نویسندگی دانشجویان را در وهله اول نسبت به دوره های آموزش عمومی در سال های قبل، و در وهله دوم، میزان مهارت نویسندگی دانشجویان را بر اساس آموزش های دانشگاه فرهنگیان بسنجد. نمونه آماری؛ نمونه مورد نیاز به صورت هدف مند از دانشجویان رشته آموزش ابتدایی (دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۸ که دو کلاس و ۷۵ نفر بودند)، انتخاب شدند. نمونه اولیه، در سال ۱۴۰۱ به ۵۸ نفر تقلیل یافت. دلیل آن؛ خروج برخی دانشجویان از دانشگاه فرهنگیان و یا انتقال به شهرهای دیگر بود که پژوهشگر نتوانست به آنها دسترسی داشته باشد.

ابزار اندازه گیری شامل متن نگاری به صورت خود اظهاری بود که از دانشجویان خواسته شد در مدت ۳۰ دقیقه، دیدگاه خود در قالب یک متن یک صفحه ای بنویسند. موضوع متن نگاری یا انشا؛ از دانشجویان خواسته شد متن انشایی برای توصیف وضعیت موجود آموزش و پرورش، تهیه کنند. هدف این متن بررسی [نواقص سیستم آموزش و پرورش، از زمانی که دانش آموز بودید تا الان که دانشجوی تربیت معلم شده اید] و ارایه راه کارهای احتمالی برون رفت از آن.

از دانشجویان خواسته شد که دقت لازم را در متن و دستور زبان، داشته باشند. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزار SPSS بعد از مقوله بندی های لازم، استفاده شد. در این مرحله تک تک انشای دانشجویان در خصوص تعداد کلمات، تعداد خطوط، تعداد فعل، تعداد صفت، اصل کمیت، اصل کیفیت، اصل ربط و اصل شیوه یا منش (اصول کاربردی مهارت نویسندگی گرایس)؛ مورد بررسی قرار گرفته شد.

یافته های تحقیق

جدول (۱)؛ آمار توصیفی مربوط به متن انشای دانشجویان

سال اجرا	آماره شاخص	تعداد انشا	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات	مد (نما)	میان
۱۳۹۸	خطوط	۷۵	۱۲.۵	۴.۹۸	۳	۳۰	۲۷	۱۴	۱۲
	کلمات در خطوط	۷۵	۱۳.۶	۲.۲۵	۱۰	۲۲	۱۲	۱۲	۱۳
	کلمات در متن	۷۵	۱۷۳.۵	۸۴.۱۰	۳۳	۴۸۴	۴۵۱	۱۰۸	۱۶۹
	افعال	۷۵	۳۴.۴	۱۴.۴۰	۹	۸۸	۷۹	۲۳	۳۴
	صفات	۷۵	۱۷.۸	۵.۳۴	۸	۳۷	۲۹	۱۴	۱۸
۱۴۰۱	خطوط	۵۸	۱۵.۸	۳.۱۲	۶	۴۸	۴۲	۱۴	۱۴
	کلمات در خطوط	۵۸	۱۵.۳	۲.۱۱	۱۲	۲۶	۱۴	۱۳	۱۳
	کلمات در متن	۵۸	۲۰۱.۸	۹۱.۳	۸۴	۵۱۲	۴۲۸	۱۱۲	۲۳۰
	افعال	۵۸	۴۸.۶	۱۶.۶	۲۸	۹۶	۶۸	۲۴	۳۶
	صفات	۵۸	۳۳.۹	۸.۴۴	۲۴	۵۹	۳۵	۱۵	۲۱

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل آمار توصیفی، به طور متوسط، هر انشای دانشجویان دارای ۱۲ خط؛ ۱۳ کلمه در خط؛ ۱۶۹ کلمه در متن انشا؛ ۳۴ فعل در متن و ۱۸ صفت در متن، در سال ۱۳۹۸ دیده می‌شود. این شاخص‌ها در سال ۱۴۰۱ در تمام موارد افزایش نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان اظهار کرد که آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان در مهارت‌های نویسندگی دانشجویان، مؤثر بوده است.

بررسی اصل کمیت:

برای بررسی اصل کمیت در انشای دانشجویان از روش «لفوند»^۱، (Nematzadeh, Mehdizadeh, & Asemi, ۲۰۱۵)، استفاده شده است. در روش «لفوند»، اگر تعداد کلمات انشا کمتر یا بیشتر از ۱۰ درصد میانگین کل کلمات باشد، نویسنده در نوشتن انشا، اصل کمیت را رعایت نکرده است.

جدول (۲): آمار توصیفی مربوط به رعایت اصل کمیت در انشای دانشجویان

سال اجرا	آماره شاخص	تعداد متن انشا	میانگین کلمات انشا	۱۰ درصد کمتر از میانگین	۱۰ درصد بیشتر از میانگین	رعایت اصل کمیت (درصد)	عدم رعایت اصل کمیت (درصد)
۱۳۹۸	کلمات	۷۵	۱۷۳.۵	۱۵۶	۱۹۰	۲۸٪ (۲۱ نفر)	۷۲٪ (۵۴ نفر)
۱۴۰۱	در متن	۵۸	۲۰۱.۸	۱۸۱	۲۲۱	۷۹٪ (۴۶ نفر)	۲۱٪ (۱۲ نفر)

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل آمار توصیفی به روش «لفوند»، در سال ۱۳۹۸؛ تنها ۲۸ درصد دانشجویان، اصل کمیت را رعایت کرده و ۷۲ درصد، نتوانسته‌اند، اصل کمیت را رعایت کنند. این شاخص در سال ۱۴۰۱؛ بهبود قابل توجهی داشته و دانشجویان توانسته‌اند ۷۹ درصد اصل کمیت را رعایت کنند و تنها ۲۱ درصد نتوانستند اصل کمیت را رعایت نمایند. در مقایسه طولی در این دوره زمانی؛ رشد قابل توجهی در آموزش‌های دانشجویان مشاهده می‌شود.

بررسی اصل کیفیت:

یک متن نوشتاری و یا گفتاری، بر اساس اجزای واژگان و کلمات و تنوع کاربرد آنها در متن، معنا و مفهوم خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، متن با کلمات به کار رفته در آن معرفی شده و تنوع کلمات، کیفیت متن را نمایان می‌نماید. مهم‌ترین عناصر متن شامل، «اسم»، «فعل» و «صفت» است. بر اساس نظر متخصصان زبان‌شناسی، شاخص کیفیت در زبان، به واسطه تنوع کاربرد فعل و صفت در متن و کلام، سنجیده شده و کاربرد اسم در متن، شاخص پرارزشی در کیفیت زبان تلقی نمی‌شود. «بای‌بی»^۲ معتقد است، از بین عناصر اسم، صفت و فعل؛ اسم، شاخص بی‌نشان‌تری^۳ است و عناصر بی‌نشان، بسامد بیشتری دارند. راجع به بی‌نشانی و پربسامدی واژگان؛ «هاسپلمت»^۴ معتقد است؛ اگر عنصر کلامی و زبانی دارای بسامدی بالایی باشد، یعنی آن عنصر ساده‌ای بوده و بازبایی آن در حافظه بسیار ساده است. به همین دلیل کاربرد اسم در متن، به عنوان شاخص اصل کیفیت در نظر گرفته نمی‌شود. در مقایسه، صفت عنصری کاملاً انتزاعی و پیچیده بوده و کاربرد آن در متن، به کیفیت متن می‌افزاید (Nematzadeh, Mehdizadeh, & Asemi, ۲۰۱۵).

^۱-Lafond, L

^۲-J. Bybee

^۳-Unmarked

^۴-M. Haspelmet

جدول (۳): آمار توصیفی مربوط به رعایت اصل کیفیت در انشای دانشجویان

سال اجرا	آماره شاخص	تعداد متن انشا	میانگین	رعایت اصل کیفیت	عدم رعایت اصل کیفیت
۱۳۹۸	افعال	۷۵	۳۴.۴۷	۲۹٪ (۲۱ نفر)	۷۱٪ (۵۴ نفر)
	صفات	۷۵	۱۷.۸۷	۲۵٪ (۱۸ نفر)	۷۵٪ (۵۷ نفر)
برآیند کلی					
۱۴۰۱	افعال	۵۸	۴۸.۶	۶۱٪ (۳۵ نفر)	۳۹٪ (۲۳ نفر)
	صفات	۵۸	۳۳.۹	۵۴٪ (۳۱ نفر)	۴۶٪ (۲۷ نفر)
برآیند کلی					
				۵۷ درصد	۴۳ درصد

بر اساس محاسبات انجام شده از برآیند تعداد افعال ساده و مرکب و تعداد صفات استفاده شده در انشای دانشجویان، در سال ۱۳۹۸؛ از برآیند افعال و صفات؛ ۲۷ درصد از دانشجویان توانسته‌اند در انشای خود، اصل کیفیت را رعایت نمایند. این شاخص در سال ۱۴۰۱ رشد قابل توجهی داشته و به ۵۷ درصد رسیده است. بنابراین می‌توان گفت که آموزش‌های دانشگاه فرهنگیان در مهارت نویسندگی دانشجویان مؤثر بوده است.

بررسی اصل ارتباط:

اصل ارتباط حاکی از ربط منطقی کل متن انشای دانشجویان با اجزای آن. به عبارت دیگر، اگر متن دارای «مقدمه»، «متن» و «نتیجه‌گیری» باشد، لازم است اجزای مشخص شده دارای ربط منطقی باهم باشند. با بررسی تک‌تک انشای دانشجویان، چنین به دست آمد. در سال ۱۳۹۸؛ از ۷۵ دانشجو، ۶۸ نفر توانسته بودند در متن انشای خود، ربط منطقی در بخش‌های «مقدمه»، «متن» و «نتیجه‌گیری» ایجاد نمایند. بر اساس درصد، حدود ۹۰ درصد از دانشجویان، اصل ارتباط را رعایت کرده و ۱۰ درصد قادر به رعایت اصل ارتباط نبوده‌اند. این شاخص در سال ۱۴۰۱ بهبود یافته و از ۵۸ دانشجو، ۵۵ نفر توانسته بودند در متن انشای خود، ربط منطقی در بخش‌های «مقدمه»، «متن» و «نتیجه‌گیری» ایجاد نمایند. بنابراین شاخص اصل ارتباط؛ از ۹۰ درصد به ۹۵ درصد ارتقاء یافته است.

بررسی اصل حالت (شیوه):

اصل حالت (شیوه)، حاکی از چنین ویژگی‌های است؛ الف) مبهم سخن نگفتن، ب) پرگویی و اطاله کلام نباشد، ج) جملات ساده و روشن بوده و پیچیدگی نداشته باشد، د) سخنان دارای سادگی، نظم و ترتیب باشد. در بیان کلی متن ساده، روان و به اندازه مناسب باشد. متخصصان زبان‌شناسی معتقدند اگر در متن سخنان، اصول کمیت، کیفیت و ارتباط به خوبی اعمال شده باشد، خود به خود، اصل حالت نیز رعایت شده است. بنابراین، اصل حالت خود تابعی از سه اصل کمیت، کیفیت و ارتباط است.

جدول (۴): آمار توصیفی مربوط به رعایت اصول همکاری گرایس در انشای دانشجویان

سال اجرا	آماره شاخص	تعداد انشای دانشجویان	رعایت اصل (درصد)	عدم رعایت اصل (درصد)
۱۳۹۸	اصل کمیت	۷۵	۲۸	۷۲
	اصل کیفیت	۷۵	۲۷	۸۳
	اصل ارتباط	۷۵	۹۰	۱۰
۱۴۰۱	اصل شیوه	۷۵	۲۷	۷۳
	اصل کمیت	۵۸	۷۹	۲۱

اصل کیفیت	۵۸	۵۷	۴۳
اصل ارتباط	۵۸	۹۵	۵
اصل شیوه	۵۸	۷۷	۲۳

بر اساس نتایج به دست آمده؛ اصل شیوه، در سال ۱۳۹۸؛ اصل کمیت ۲۸ درصد؛ اصل کیفیت ۲۷ درصد؛ اصل ارتباط ۹۰ درصد و اصل شیوه ۲۷ درصد، به دست آمده است. این شاخص در سال ۱۴۰۱ اصل کمیت ۷۹ درصد؛ اصل کیفیت ۵۷ درصد؛ اصل ارتباط ۹۵ درصد و اصل شیوه ۷۷ درصد، به دست آمده که رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. در مطالعه نعمت‌زاده و همکاران، از روش اشتراک‌گیری بین سه اصل کمیت، کیفیت و ارتباط، استفاده شده است (Nematzadeh, Mehdizadeh & Asemi, ۲۰۱۵). با استفاده از روش مطالعه نعمت‌زاده و همکاران، در این مطالعه متن انشای دانشجویان، در سال ۱۴۰۱؛ ۷۷ درصد، اصل حالت (شیوه)، رعایت شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مکالمه (مهارت سخن گفتن) و پس از آن مکاتبه (مهارت نویسندگی)، به شرط وجود ساختار سازمانی مناسب و ساختار زیستی سالم، از اولین مهارت‌هایی است که افراد در تعامل با محیط و انسان‌های دیگر آن را کسب می‌نمایند. در این مقاله تأکید بر مهارت نوشتن و نویسندگی است، بنابراین، افراد مهارت نویسندگی را با پیروی از آموزش‌های اولیه و لازم به دست می‌آورند. ورزیدگی و مهارت در نوشتن، تابع تمرین مکرر، مطالعه متون فاخر، داشتن گنجینه لغات فراوان و کاربرد آن در نوشتن، حاصل می‌شود. محصول چنین فرآیندی، تولید نوشته‌هایی، وزین، زیبا، قابل توجه و ارزشمند است.

هدف اصلی این مقاله مقایسه مهارت نویسندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در یک مطالعه موردی و طولی از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱؛ بود. در این مطالعه مهارت نویسندگی دانشجویان با توجه به اصول هربرت پاول گرایس، معروف به اصول همکاری گرایس که شامل کمیت، کیفیت، ارتباط و حالت است؛ ارزیابی شده است. گرایس در مطالعات و تحقیقات خود نشان داد که اگر متنی؛ دارای این چهار ویژگی (کمیت - کیفیت - ارتباط - حالت) باشد، آن متن - هدف گرایس سخن گفتن است درحالی که در این مقاله، سخن گفتن به سخن نوشتن ارتقاء داده شده است - ارزشمند بوده و اصول همکاری گرایس را رعایت کرده است.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان قم، در متن یک صفحه‌ای انشایی که به نگارش درآوردند؛ در سال ۱۳۹۸؛ اصل کمیت؛ ۲۸ درصد؛ اصل کیفیت؛ ۲۷ درصد؛ اصل ارتباط؛ ۹۰ درصد و اصل شیوه (حالت)؛ را ۲۷ درصد، رعایت کرده‌اند. همین دانشجویان در سال ۱۴۰۱؛ اصل کمیت؛ ۷۹ درصد؛ اصل کیفیت؛ ۵۷ درصد؛ اصل ارتباط؛ ۹۵ درصد و اصل شیوه (حالت)؛ را ۷۷ درصد، در حد بسیار مطلوبی، رعایت کرده‌اند.

اصل کمیت، به تعداد واژه‌های معنادار در متن توجه دارد. به عبارت دیگر از دانشجویان علوم تربیتی انتظار می‌رود، به طور متوسط در یک متن علمی، از واژه‌پردازی مناسبی نسبت به دیگر دانشجویان غیر علوم تربیتی بهره‌مند باشند.

اصل کیفیت، به بروز و ظهور اطمینان کافی از کاربرد واژه‌های معنادار در متن توجه دارد. به عبارت دیگر از دانشجویان علوم تربیتی انتظار می‌رود، در یک متن علمی، از معنای علمی، ادبی و دستور زبان واژه‌های استفاده شده، اطمینان کافی داشته باشند.

اصل ارتباط، به تبیین ارتباط منطقی، عقلانی، علمی و معنایی واژه‌های استفاده شده در یک متن به صورت یک کل با معنا توجه دارد. به عبارت دیگر از دانشجویان علوم تربیتی انتظار می‌رود، به گونه‌ای از واژه‌ها و جملات بهره بگیرند که در هیچ نقطه‌ای از متن، ارتباط با موضوع، ضعیف یا قطع نشود.

اصل حالت، شیوه‌ای منطقی در نوشتار است که از نابجا سخن گفتن، ابهام و اطناب، پرهیز می‌کند. به عبارت دیگر از دانشجویان علوم تربیتی انتظار می‌رود، متن نوشتاری خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که مصداق این ضرب‌المثل زیبا باشد: «کم گوی و گزیده گوی چون در _ کز اندک تو جهان شود پر».

مطالعه نعمت‌زاده و همکاران (۲۰۱۵)، با موضوع میزان به کارگیری اصول گرایس در انشای دانش آموزان پایه هشتم شهر تهران، به لحاظ روش‌شناسی پژوهشی، شبیه‌ترین مطالعه به مطالعه حاضر است. نعمت‌زاده و همکاران (۲۰۱۵)، در مطالعه خود نتیجه گرفتند که؛ دانش آموزان پایه هشتم، اصل کمیت را ۳۰ درصد؛ اصل کیفیت را ۱۸ درصد؛ اصل ارتباط را ۸۳ درصد و اصل شیوه (حالت) را ۱۸ درصد، رعایت کرده بودند. یافته‌های مطالعه نعمت‌زاده و همکاران (۲۰۱۵)، با یافته‌های مطالعه حاضر در سال ۱۴۰۱؛ دارای همسویی و همخوانی بسیار بالایی است. در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت که فاصله سنی و دانشی دانش آموزان پایه هشتم و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، زیاد نیست. انتظار می‌رفت که وضعیت دانشجویان نسبت به دانش آموزان خیلی بهتر باشد که بر اساس یافته‌ها؛ در اصل کمیت دانشجویان نسبت به دانش آموزان کاهش داشته و در اصل‌های کیفیت، ارتباط و حالت؛ حدود ۱۰ درصد، نسبت به دانش آموزان، رشد نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، مهارت نویسندگی خصوصاً برای دانشجویان علوم تربیتی، بسیار مورد نیاز و رکن پیشرفت علمی این دانشجویان تلقی می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود، دروسی که پایه پژوهشی دارند، همانند «روش تحقیق» و دروس شبیه آن که کارایی بالاتری در افزایش مهارت تفکر و مهارت نویسندگی دارند، در برنامه درسی دانشجویان بیش از پیش جدی گرفته شده و ارایه شود. همچنین بر پایه نتایج به دست آمده، ارایه آموزش‌های جدی و برنامه‌ریزی شده برای افزایش توان نوشتاری دانشجویان، دروس روایت‌پژوهی، اقدام‌پژوهی، کنش پژوهی و کارورزی، به صورت کامل ارایه و در برنامه درسی، استفاده شود.

References

- Adamzadeh, Fatemeh (2002). The effect of teaching cognitive strategies in correcting the writing problems of students with learning disabilities. Faculty of Education and Psychology. Tehran: Faculty of Educational Sciences and Psychology, *University of Tehran. Master's Thesis*. [in Persian]
- Applebee, A.N. (1984). Writing and reasoning. *Review of Educational Research*, 54 (4), 577-596. doi: 10.3102/00346543054004577
- Alharbi, F. (2015). Writing for learning to improve students' comprehension at the college level. *English Language Teaching*, 8(5), 222-234. doi:10.5539/elt.v8n5p222
- Aghagolzadeh, Ferdous (2007). The relationship between Paul Grice's principles of cooperation and dominant rhetorical techniques in Parorin Etsami's discourse. No. 14 and 15, *Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization Research Quarterly*, p. 10-5. [in Persian]
- Allami, Hamid (2008). Investigating the level of students' understanding and enjoyment of verbal humor. Faculty of Persian Language and Literature. *Isfahan: Isfahan University, Doctoral thesis*. [in Persian]
- Alharbi, F. (2015). Writing for learning to improve students' comprehension at the college level. *English Language Teaching*, 8(5), 222-234. doi:10.5539/elt.v8n5p222
- Arnold, K. M., Umanath, S., Thio, K., Reilly, W. B., McDaniel, M. A., & Marsh, E. J. (2017). Understanding the cognitive process involved in writing to learn. *Journal of Experimental Psychology: Applied*, 23(2), 115-127. doi:10.1037/xap000011
- Bagheri, Mohammad Mahdi (2017). Analysis of Iran's contemporary socio-political satirical discourse from the point of view of Grais principles. *Tehran: Faculty of Persian Language and Literature, University of Tehran, Master's Thesis*. [in Persian]
- Bazerman, C., Little, J., Bethel, L., Chavkin, T., Fouquette, D., & Garufis, J. (2005). Reference guide to writing across the curriculum. Retrieved from https://wac.colostate.edu/docs/books/bazerman_wac/wac.pdf (Original work published in 2005)

- Bangert-Drowns, R. L., Hurley, M. M., & Wilkinson, B. (2004). The effects of school-based writing-to-learn interventions on academic achievement: A *meta-analysis*. *Review of Educational Research*, 74(1), 29–58. doi:10.3102/00346543074001029
- Bereiter, C., & Scardamalia, M. (1987). The psychology of written composition. [e- book reader version]. Retrieved from <https://www.taylorfrancis.com/books/9780203812310>
- Bozkurt, R. (2017). The effect of argumentation-based inquiry approach supported by upper cognitive activities on science achievement of preservice teachers. *Unpublished master's thesis, Kastamonu University, Kastamonu*.
- Dale, Robert and Reed, North (1996). The Role of the Gricean Maxims in the Generation of Referring Expressions. Unknown place of publication: collection of lectures of the fourth periodic meeting of the spring season, *The fourth periodic meeting of the spring season*.
- Faramarzi, Salar, Karamalian, Hassan and Nasrallah, Shahnaz (2019). The effect of educational intervention based on language experience approach on students' writing skills. No. 2, Isfahan: Faculty of Educational Sciences and Psychology, *University of Isfahan, New Educational Approaches*, Volume 6, p. 60-41. [in Persian]
- Fathi Vajargah, Koresh (2019). Basic principles and concepts of curriculum planning. Second edition. *Tehran: Alam Ostadan Publishing House*. [in Persian]
- Flower, L., & Hayes, J. R. (1981). A cognitive process theory of writing. *College Composition and Communication*, 32(4), 365-387. doi: 10.2307/356600
- Fuladi, Arindokht (2008). Examining commercial advertisements from the point of view of Grice's four principles. Faculty of Persian Language and Literature. *Tehran: University of Tehran, Master's thesis*. [in Persian]
- Galbraith, D., & Baaijen, V. M. (2018) The work of writing: Raiding the inarticulate. *Educational Psychologist*, 53(4), 238-257 doi:10.1080/00461520.2018.1505010
- Ghasemi, Mohsen, Sediq Ziyabari, Roya and Khairabadi, Reza (2015). Presenting a new model of the principle of social cooperation based on the theory of games in economic linguistics, *Scientific-Research Quarterly of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch*, p. 299-322. [in Persian]
- Graham, S., Kiuahara, S.A., & Mackay, M. (2020). The effects of writing on learning in science, social studies, and mathematics: A *meta-analysis*. *Review of Educational Research*, XX (X), 1–48. doi: 10.3102/0034654320914744
- Graham, S. (2008). Research on writing development, practice, instruction, and assessment *Reading and Writing*, 21, 1-2, doi: 10.1007/s11145-007-9069-7
- Graham, S., Kiuahara, S.A., & Mackay, M. (2020). The effects of writing on learning in science, social studies, and mathematics: A *meta-analysis*. *Review of Educational Research*, XX (X), 1–48. doi: 10.3102/0034654320914744
- Hallaman, Oil (2010). Gricean maxims in a collection of children's literature. Indonesia: *University of Indonesia*.
- Hassanzadeh, Ramadan (1385). Research methods in behavioral sciences. fourth edition. *Tehran: Savalan Publishing*. [in Persian]
- Haley-James, S. (1982). Helping students learn through writing, *Language Arts*, 59(7), 726-731. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/41405100>
- Hohenshell. M. L., & Hand, B. (2006) Writing-to-learn strategies in secondary school cell biology: A mixed method study. *International Journal of Science Education*, 28(2-3), 261-289. doi: 10.1080/09500690500336960
- Kayaalp, F., Meral, E., Şimşek, U., & Şahin, İ. F. (2020). A search for a method to improve critical thinking skills in social studies teaching: *Writing-to-learn*. *Review of International Geographical Education (RIGEO)*, 10(3), 400-430. doi: 10.33403/rigeo.719222

- Klein, P. D., & Boscolo, P. (2016). Trends in research on writing as a learning activity. *Journal of Writing Research*, 7(3), 311- 350. doi: 10.17239/jowr-2016.07.3.01
- Kieft, M., Rijlaarsdam, G., & Van den Bergh, H. (2006). Writing as a learning tool: Testing the role of students' writing strategies. *European Journal of Psychology of Education* 21(1), 17-34. Retrieved from <https://springer.com/article/10.1007/BF03173567>
- Khanifar, Hossein and Muslimi, Nahid (2018). Basics and principles of qualitative research methods. A new and practical approach. [edit] Hamidreza Yazdani. *Tehran: Negah Danesh Publications*. first volume. [in Persian]
- Khodaparast, Roja (2009). Verbal analysis of four proposed principles of dialogue in new plays. *Tehran: University of Tehran, Master's thesis*. [in Persian]
- Khosrovizadeh, Parvaneh (2010). Examining the process of producing and understanding discourse content. Number 9, *Tehran: unknown author, Journal of Language and Linguistics*, volume 3, p. 18-26. [in Persian]
- Mason, L., & Boscolo, P. (2000). Writing and conceptual change. What changes? *Instructional Science*, 28(3), 199-226. Retrieved from <https://link.springer.com/content/pdf/10.1023%2FA%3A1003804216687.pdf>
- Müldür, M. (2017). The effects of self-regulated writing instruction on middle school students'informative writing skills, self-regulated writing skills, and self-efficacy perception. *Unpublished doctoral dissertation, Gazi University, Ankara*
- Nematzadeh, Shahin, Mehdizadeh, Betoul and Asemi, Sayyed Mostafi (2015). The rate of application of Grice's principles in the essays of eighth grade students. Number 42, unknown place of publication: *Iran Curriculum Studies Association, Iran Curriculum Studies Quarterly*, 11th volume, p. 52-31. [in Persian]
- Lawwill, K. S. (1999). Using writing to learn strategies: Promoting peer collaboration among high school science teachers. *Unpublished doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University, Virginia*
- Pakrovan, Hossein (2007). Examining fourteen Persian dialogues in the framework of Grice's principles of cooperation. No. 40, Shiraz: Shiraz University, *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, p. 56-82. [in Persian]
- Prativi, Kartika (2008). The study of the flouting of Grice's cooperative principle in the movie entitled Before Sunset. *Perta Cheristan: Perta Cheristan University*.
- Putti, A. (2011). High school students' attitudes and beliefs on using the science writing heuristic in an advanced placement chemistry class. *Journal of Chemical Education*, 88(4), 516-521. doi: 10.1021/ed100130w
- Saki, Reza (2011). Writing skills, book writing. Tehran: Loh Zarin Publications. [in Persian]
- Seifi, Amena and Mahmoudzadeh, Kambiz (2010). The role of Grice's cooperation principle in achieving balance in translation. Number 28, *Tehran: unknown author, Translation Studies Quarterly*, p. 57-45. [in Persian]
- Sinaga, P., & Feranie, S. (2017). Enhancing critical thinking skills and writing skills through the variation in non-traditional writing task. *International Journal of Instruction*, 10(2), 79-84. doi: 10.12973/iji.2017.10.20a
- Yore, D., Bisanz L. G., & Hand, M. B. (2003). Examining the literacy component of Science literacy: 25 years of language arts and science research. *International Journal of Education*, 25(6), 689-720. doi: 10.1080/095006903000018
- Yule, George (2006). Language review. [Translator] Mahmoud Mehrmohammadi. Tehran: *Rahnama Publications*.
- Zandi, Bahman (2007). Teaching methods of Persian language in Debsnan period. *Tehran: Samit Publications*. [in Persian]
- Zhou, M (2009). Cooperative Principle in Oral English Teaching. Shijin: *Foreign Language School of Shijin Ganshan University*.

Zor, Bayram-Mustafa (2006). Using Grice's cooperative principle and its maxims to analyze the problem of coherence in Turkish and English essays. *Ankara: Middle East University School of Social Sciences*.